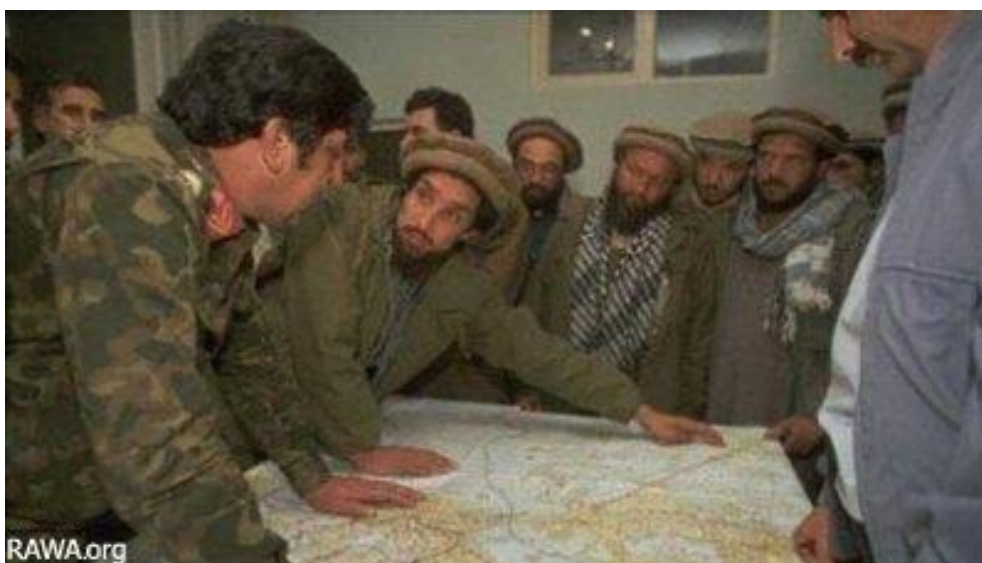




احمد شاه مسعود را تاریخ فراموش نمی نماید به مناسبت بیست و پنجمین سال قتل مسعود



عکسی تاریخی از مسعود، علومی، انجنیر پناه، فهیم و نبی عظیمی بر روی نقشه مقدس
افغانستان

در معضله افغانستان بیشتر از چهار دهه اخیر، چنین حقایقی را شاهد بودیم و هستیم که «**احمد شاه مسعود**» در پهلوی خیانت پیشه های وطن فروشی چون ترکی، ببرک، اناهیتهای راتب زاده، امین، نجیب، صد های دیگر، به نحوی دیگری همگام و هم نظر بوده و همگان در عصر قدرتمندی شان و روزگاران خون و آتش اشغال مادر وطن، از آنچه جنایت و خیانت که در توان شان بود، در جوار عساکر اشغالگر شوروی سفاک، بر هموطنان مظلوم خویش، دریغ نمودند. «**احمد شاه مسعود**» که در زمان جمهوریت «**سردار محمد داود**» با یاران و همگامان خود چون «**ربانی و حکمتیار**» به حریم آی اس آی پاکستان پناهنده گردید، آموخت که این عمل مزایای زیادی دارد، چنانچه که وابستگی های وی تا دم مرگ به مؤسسات استخباراتی گوناگون

شرق و غرب که بعد تر صورت گرفت، از مسعود یک شخصیت چند بعدی مرموز و انعطاف پذیر ساخت.

در عمل، در هیچ صفحه ای از تاریخ افغانستان که در قرون متمادی مملو از جانبازی های قهرمانان و شجاعت سر سپردگان راه صیانت و آزادی وطن بوده است، نمی توان سراغ نمود که یک جنگ «احمد مسعود» را با قوای اشغالگر شوروی با تفصیل و زوایای آن ثبت نموده باشد، مگر جنگ های کوچک «۱» ساختگی را که در همان وادی های اطراف صحنه سازی میگردید و خاک به چشم مردم مظلوم وطن میزد. برعکس نامبرده نظر به پروتوکولی که در سال ۱۹۸۸ «ماده هفتم» با شوروی امضاء نمود، همه مجاهدین وطنپرست منطقوی و نواحی سالنگ را که به مقابل روسها مقاومت می نمودند، به نفع قوای زمینی شوروی قلع و قمع نمود!



تصویری مستند از احمد شاه مسعود در جوار حکمتیار و رئیس استخبارات آی اس آی، جنرال حمید گل که برهان الدین ربانی هم درین تصور موجود است.

البته اتحاد شوروی از کمک های ارزشمند «مسعود» منجمله حفظ سالنگ ها برای عبور قوای زمینی و مراقبت از پیپ لینی که از شمال تا میدان بگرام کشیده شده بود، نهایت استفاده نموده و در نتیجه اردوی قوای اشغالگر نمبر ۴۰ به سرکردگی جنرال «گروموف» همیشه از همکاری های «احمد شاه مسعود» سپاس گزار بود، چنانچه در مصاحبه ای با اخبار سپوتنیک «۲» حقیقت بزرگی را درین زمینه افشاء ساخته است.

البته در عصر اشغال افغانستان عزیز، همکاری و همگامی مسعود با امضای پروتوکول ها مخصوصاً قرار داد های «**خنجان و جبل سراج**» با قوای اشغالگر شوروی اظهر من الشمس است که هست!!

منحیث نمونه چند سطری از قرار داد مسعود با شوروی را در سال ۱۹۸۸ مطالعه فرمایید:

معاهده مخفی بین احمد شاه مسعود و قوای اشغالگر ۴۰ شوروی در افغانستان:

به منظور خلق حسن نیت بین رهبری قوای شوروی و مخالفین مسلح پنجشیر و به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان، طرفین عاقدین با نیت نیک و پذیرش وجایب ذیل این معاهده را امضا می نمایند .

بعد از آغاز قرن ۲۱ میلادی و ختم جنگ سرد طولانی، نه تنها منابع معتبری مانند آرشیف های «سی آی ای و وزارت خانه های دفاع و خارجه امریکا»، بلکه وزارت خارجه و «دفاع روسیه و منابع کی جی بی» همچنان جریانات جنگ و مناسبات سیاسی گوناگون جنگ های افغانستان را افشاء نموده و به دسترس همگان قرار دادند. همان بود که نویسندگان بیشمار داخلی و خارجی، تعداد زیادی آثار و نوشته های مستند این حوادث خونین را با معرفی دست اندرکاران آن بروز دادند. حتی در همین امریکا میشود به آسانی به وزارت خارجه رفت و از اسناد و مدارک معلوماتی آن وقت افغانستان نمونه و تصویر برداشت.

بعد از شکست خفتبار شوروی در افغانستان، هزاران تا از گروه های از زیر دار گریخته وابسته به مسکو، چه در عصر تنظیم های تشنه قدرت، مخصوصاً به حمایت «**احمد شاه مسعود**» و به امر شوروی، از مجازات معاف شدند و چه جمیعتی که با خفت به غرب پناهنده گشتند، در ۲۰ سال دیموکراسی وارداتی، دوباره به افغانستان ویران سرازیر شده و در مقامات بلند جایگزین گردیدند. حتی آنائیکه در لست سیاه مؤسسات خیریه بین المللی و امریکا قرار داشتند، با سر بلند، در مناصب عالی مملکت حکمفرمایی نمودند، مثلاً صد ها تا چون ربانی، فهیم، سیاف، علومی، عبدالله، اتمر، خلیلی و...و...

در مورد قوماندانی «**احمد شاه مسعود**» در عصر خونین و ناکام «**برهان الدین ربانی**»، جنگ های داخلی افغانستان و مخصوصاً شهر کابل را به مخروبه ای وحشتناک تبدیل نمود که با تلفات ۶۵۰۰۰ بیگناه اهالی پایتخت، یک دوران دهشت و جنایات ابتکاری خونین و فجیع بشری ای هموطن بر هموطن به وقوع پیوست. این قوماندان بیرحم و جاه طلب نه تنها صلح و امنیت را برقرار ننمود، بلکه در پهلوی دیگر گروپ های سفاک جهادی طوری پیشگام و یکه تاز گردید که با در دست داشتن سلاح ثقیله و خفیفه به شمول توپخانه و راکت های نهایت آتشین برای

تصرف قدرت، به سراغ دیگر گروه های جنگی، مخصوصاً «گلبدین حکمتیار» رفت و هردو شهر کابل را ناجوانمردانه، دد منشانه و سبعانه به راکت بستند. بیان حوادث و جنایات این فرزند ناخلف افغانستان بر مردم مظلوم آن تا تاریخ باقیست از صفحات تاریک و خونین آن محو نمی شود. هیئات!!



تصویری از یکی از فجایع احمد شاه مسعود - صحنه ای از قتل عام خونین افشار درین عصر خون و آتش «۱۹۹۲-۱۹۹۶» نظر به راپور «کمیته نظارت بر حقوق بشر» جزئی از تشکیلات «۳» خیریه سازمان ملل متحد، کشتار اعظمی شهریان کابل در همان سال اول هجوم تنظیم های جهادی به پایتخت افغانستان صورت می گیرد؛ چنانچه در ۱۱ فروری سال ۱۹۹۳ حادثه فجیع و بی مانند «قتل عام افشار» که به قوماندانی و طرح نظامی خود «احمد شاه مسعود» سازماندهی میگردد، یکی از بزرگترین تراژیدی های بشری را رقم میزند که دقیقاً از جانب منابع خیریه جهانی ثبت تاریخ میگردد. درین حادثه مرگبار، در نیمه شب توپ خانه «مسعود» از بالای «کوه آسمایی» شهر های متعددی در غرب کابل، منجمله افشار را زیر فیر می گیرد و هزاران زن، مرد و کودک را به خون و آتش غرق میسازد و بعد از کشتار فجیع به رضائیت وی، عساکر جنگ به داخل حریم مردم بی دفاع و مظلوم داخل میگردند.....

از اسناد و مدارک بیشمار افشار عکس ها و ویدیو هایی هم هست که تعدادی از چهره های آشنا عاملان این جنایت بشری را در کنار «مسعود» افشاء میسازد و همانطوریکه ذکر شد، همه بعد از سقوط طالبان، همچنان بدون مجازات و بازخواست و اجرای عدالت، به کمک «حامد کرزی» دوباره بر مقامات بلند دولت و پارلمان عز تقرر حاصل می نمایند، از قبیل «فهم، قانونی، عبدالله، بسم الله خان و تعداد دیگر».

با هجوم بار اول طالبان که با هیچ نوع اسلحهٔ ثقیله و تانک و طیاره مجهز نبودند، «احمدشاه مسعود» منحیث قوماندان قوای دولت ناکام «برهان الدین ربانی» با گروه و گروپ خویش، تعدادی پا برهنه و تعدادی با پشتارهٔ محتویات نقدی بانک های دولتی به طرف شمال فرار نمودند و اصطلاحات نا مفهوم «جهاد و مقاومت» به باد هوا رفت. البته ارتباطات «مسعود» و گروه فراری وی حتی با تکیه به دولت روسیهٔ فیدرال هم «تا دم مرگ» پا برجا بوده و رفت و آمد با هیلی کوپتر از خواجه بهاء الدین به تاجکستان و کولاب مانند خانهٔ خاله برقرار! در پهلوی جنایات گوناگون «احمد شاه مسعود»، از بین بردن اردوی مجهز افغانستان به کمک پاکستان و همکاری «ربانی با جنرال حمید گل» آمر «آی اس ای» و تخریب «پلان صلح» ملل متحد در عصر حکمروایی «برهان الدین ربانی» همچنان فراموش تاریخ نمیگردد

نوت:

۱- در ماورای این قلمرو، قوای شوروی و قوای مسلح پنجشیر حق دارند تا عملیات نظامی را علیه سائر گروه های مسلح متعلق به دیگر تنظیم های مجاهدین به راه انداخته و ایشان را محو نمایند. خصوصاً گروه هائی که عملیات نظامی را علیه هر دو جانب متعاقدين متوقف نساخته اند. « مادهٔ هفتم قرار داد مسعود با شوروی».

۲- لینک مضمون مصاحبهٔ « بوریس گروموف» با نشریهٔ سپوتنیک.

<file:///C:/Users/Owner/Downloads/m-moosa-nezam-a-sh-masoud-ra-gromov-marefi-mai-konad.pdf>

۳- راپور یکی از فجیع ترین جنایات بشری که قتل عام افشار باشد تحت عنوان «دستان آغشته بخون - Blood Stained Hands» کمیسیون نظارت بر حقوق بشر ملل متحد که خبرنگاران آن در کابل موجود بودند.

